

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اِشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي ○ وَاخْلُلْ عُقْدَةً
مِنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!
او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما
له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په
خبرو (نبه) وپوهیږي."

سپتمبر 2017

ذوالعقده 1438

شماره دو صد و چهل

مسائل فقهی

در هنگام مرگ چه باید کرد؟

امام سید سابق در کتاب خود بنام (فقه السنه) می نویسد:

- 1- تلقین شخص در وقت مرگ به ذکر کلمه (لا اله الا الله و محمد رسول الله).
- 2- گردانیدن میت رو بطرف قبله و به جانب راست.
- 3- خواندن سوره یس شریف.
- 4- بستن چشمان میت.
- 5- پوشانیدن میت و پوشیدن عورتش.
- 6- مانع در بوسیدن میت نیست. (توسط محارم).
- 7- عجله کردن به تجهیز (کفن و دفن) میت.
- 8- دادن قرض میت.
- 9- دعا و گفتن (انا لله و انا اليه راجعون).
- 10- اطلاع دادن اقارب میت از مرگ او.
- 11- گریه کردن به سر میت و گریه زنده ها تأثیری به میت ندارد و به گریه زنده ها میت عذاب نمیشود.

حکم فاتحه گیری :

ید سابق می نویسد: فاتحه گیری فقط برای مدت سه روز می باشد و سوگواری مخصوص زنان و برای مدت سه روز است بغیر از زن متوفی که مدت عده آن چهار ماه و ده روز است و بعد از این مدت زن نیز نباید سوگواری باشد.

حکم گرفتن روز چهل :

نص فتوای شرعی از امام حسنین محمد مخلوف ثبت تحت نمبر 377 دارالافتاء مصر.

گرفتن روز چهل در شریعت نیست و از سنت آنحضرت صلی الله علیه و سنت صحابه نمی باشد و حتی تابعین روز چهل را نگرفته اند و این عادت در قدیم در بین مسلمانان رواج نداشت. چهل یک عادت جدید و یک بدعتی می باشد که شریعت آنرا منع نموده است.

مردم فکر کرده اند که گرفتن چهل از دین است و ایشان در خطا می باشند. دربرگزاری چهل پول در غیر راه صحیح مصرف میشود. ممکن است میت از مردم و از خداوند قرضدار باشد و ممکن است خانواده میت به پول محتاج باشند.

و همچنان گرفتن روز چهل تجدید از غم و حزن می باشد که در شریعت مکروه است.

در حدیث شریف که: (التعزية مرة) . تعزیه یکبار است چنانکه در نیل الأوطار و در فتاوی التتار خانیه (در مذهب حنفی) آمده که اگر کسی یکبار فاتحه داده باشد بار دوم فاتحه ندهد. در کتاب (الدر المختار) آمده که فاتحه دادن و گرفتن بعد از سه روز کراهیت دارد زیرا غم را تجدید میکند.

گرفتن روز چهل و فاتحه زیادتراً از سه روز یک بدعت زشت میباشد و دین و دنیا را فاسد میسازد و باید مردم از این عادت زشت دوری کنند و چیزیکه برای میت در زندگانی برزخ فایده دارد دعا و استغفار و تلاوت قرآن و فرستادن ثواب آن می باشد و خواندن نماز و گرفتن روزه و رفتن به حج از طرف میت برای میت ثواب میرسد.

شیخ مصطفی الزرقا جواب میدهد

سؤال: بعد از وفات اقارب میت برای چند روز مردم را دعوت میکنند و در دعوت ختم قرآن کریم نموده و غذا هایی زیادی صرف میشود میخواهیم بدانیم که برای میت ثواب این محافل میرسد و آیا عذاب میت کم میشود؟

جواب: برای میت از زنده ها فقط دعا و صدقات بنام خداوند که برای فقراء باشد ثواب آن میرسد. اما دعوت پولداران و اغنیاء که از جمله رسم و رواجها است از جمله عبادات نبوده و تقرب به خداوند نیست لذا ثواب آن برای میت نمیرسد و الله أعلم.

رسیدن ثواب صدقه برای میت:

امام حسنین محمد مخلوف جواب میدهد:

مذهب حنفی و وصول ثواب طاعات برای میت:

در مذهب حنفی آمده که تمام عبادات مثل دعا و استغفار و صدقه و تلاوت و ذکر و نماز و روزه و طواف و حج و عمره و غیره ثواب آن برای میت میرسد و میشود که ثواب عبادات را برای زنده ها و مرده داد و ثواب آن چنانچه در هدایه و البحر آمده و همچنان در فتح القدر به میت میرسد.

در الفتح از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و سلم روزی از مقابر عبور میکرد تلاوت کرد: (قل هو الله أحد) را یازده مرتبه و اهداء کرد ثواب آنرا برای مرده ها.

مصطفی الزرقا این فتوا را در موضوع رسیدن ثواب به

متوفی می دهد:

از زنده ها برای میت ها هیچ چیزی نمی رسد بغیر از دعا و عبادات و فرستادن ثواب آنها به میت و همچنان دادن صدقه برای فقراء و اشخاص محتاج و کسانی که مستحق گرفتن زکات اند.

دادن طعام در مجالس چنانکه عادت و رواج است این همه از جمله عبادات و نزدیک شدن به خداوند نیست و هیچ ثواب ندارد که برای میت برسد و میت از این نوع مصارف هیچ فایده نمیگیرد.

سؤال: آیا در وقت وفات یکی از اقارب گفته میتوانیم: مرحوم، مغفور و جنت مکان؟

جواب: ای مقاتل میگوید: از ابو حنیفه شنیدم که گفت:

مردم در نزد ما سه منزلت را دارند:

1 - انبیاء که از اهل جنت اند، و کسیکه بگوید که انبیاء از اهل جنت هستند خودش از اهل جنت میباشد.

2 - مشرکون: شهادت میدهیم که مشرکین از اهل دوزخ اند.

3 - مؤمنون: در مورد ایشان چیزی نمی گویم و شهادت نمیدهیم بیکدیگر از ایشان که از اهل جنت است یا از اهل دوزخ و لیکن برای شان جنت را میخواهیم و نسبت به ایشان خوف میداشته باشیم چنانکه خداوند میفرماید: (خلطوا عملا صالحا و آخر سینا عسی الله أن یتوب علیهم

* التوبه 102). عمل نیک و زشت را با هم خلط نمودند و

امید است که خداوند ایشانرا ببخشد و عفو کند. در

سوره نساء خداوند میفرماید: (إن الله لا یغفر أن یشرك به

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء * نساء: 48). به تحقیق که

خداوند شریک آوردن به او تعالی را «هرگز» نمی بخشد

ولی گناهان دیگر غیر از شرک را بهر که خواسته باشد می

بخشد و هر کس که بخدا شریک بیاورد گناه بزرگی را به

افتراء و بهتان مرتکب شده است. (ترجمه از استاد

سیرت).

نسبت به ایشان خوف در دل داریم بسبب گناهان شان و

خطاهای که کرده اند و هیچکس برایش جنت واجب

نیست اگر روزه گرفته باشد و نماز خوانده باشد بغیر از

انبیاء. (الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، ص: 154-

155).

نوت: از نظریات امام ابو حنیفه رحمه الله دانسته میشود

که برای میت باید دعای خیر نمائیم و قاعده اسلامی

است: برای میت دعا نمائیم اگر مرد باشد: رحمه الله و اگر

زن باشد: رحمها الله.

آیا نماز جنازه بدون وضوء اداء شده میتواند؟

جواب از کتاب: فتاوی شرعیة و بحوث اسلامیة

نماز جنازه فرض کفایی بالای جماعت از مسلمین میباشد

و اگر یک تعداد نماز جنازه را اداء کردند از دیگران

ساقط میشود و جماعت شرط ادایی نماز جنازه نیست.

در صحت نماز جنازه مثلیکه در صحت دیگر نمازها

طهارت و استقبال قبله و ستر عورت شرط است شرط

عمل او قطع میشود مگر از سه: صدقه جاریه و علمی که نفع آن برسد و اولاد صالح که دعا کند .
در شریعت است که در مسائل کفن و دفن و تشییع جنازه و مقبره مسلمانان از اسراف کار نگیرند و در فکر اعمال خیریه برای مسلمانان باشند .

سؤال: آیا اجازه است که جثت میت را به آتش خصوصاً در اوقاتی که مرض طاعون است سوختاند ؟

جواب: از کتاب: فتاوی شرعیة و بحوث اسلامیة هیچ نوع اختلاف بین مسلمانان در این نیست که انسان کرامت و حرمت در زندگی و مرگ دارد چنانکه خداوند میفرماید: { ولقد کرمنا بنی آدم } و از کرامت ابن آدم بعد از مرگ اش دفن کردن در قبر میباشد و قرآن قصه هابیل و قابیل را که در آن دفن آمده میکند .

از سنت و اجماع مسلمین است که باید میت دفن شود و جواز سوختاندن میت در شریعت نیست و اگر میت در زندگی خود وصیت کرده باشد که جثت او را بسوزانند ، این یک وصیت باطل است و باید مراعات نشود . سوختاندن میت از عادت آتش پرستان (مجوس) است و اسلام ما را از تقلید ایشان منع نموده .

سؤال: ختم قرآن کریم بصورت که در جامعه افغانی رواج دارد صحیح است :

آیا جمع شدن در مساجد و یا در منازل برای تلاوت قرآن کریم برای اموات که امروز رواج دارد جواز دارد یا نه ؟
جواب: از کتاب (فتاوی، امام صدیق حسن) .

جمع شدن مسلمانان چنانکه امروز صورت میکیرد اگر خالی از معصیت و عمل منکرات باشد بدعتی نیست که جواز نداشته باشد ، زیرا جمع شدن در ذات خود عملی حرام نیست خصوصاً اگر برای خواندن قرآن کریم باشد و خواندن قرآن کریم برای میت مانع در آن نیست چنانکه در حدیث شریف آمده: (اقرءوا علی موتاکم یس * امام احمد در مسند 172/15 و 177، ابو داود: الجنائز / 3121، ابن ماجه: الجنائز / 1448، الحاکم فی المستدرک: 1 / 753) . این حدیث حسن است ، و بین تلاوت (یس) در میان جماعتی از مردم که در نزدیک قبر میت و یا خود میت حاضر می باشند ، و بین تلاوت تمام قرآن کریم یا بعضی از سوره های آن در مسجد و منزل فرقی وجود ندارد .

میباشد . اگر امام نماز جنازه را بدون وضوء و نماز گزاران با وضوء اداء کردند باید نماز اعدت شود یعنی بار دوم خوانده شود زیرا نماز امام بدون طهارت جواز ندارد لیکن اگر امام وضوء داشت و مقتدیان وضوء نداشتند نماز امام کفایت میکند و لازم به اعدت نماز بار دوم نیست .

در مذهب حنیفی در مورد نماز جنازه آمده که اگر عذری برای خواندن نماز جنازه باشد میشود در این حالت تیمم کرد مثلاً اگر ترس این باشد که گرفتن وضوء سبب نرسیدن به نماز جنازه می شود در این مذهب اجازه است که تیمم شود و نماز جنازه به آن خوانده شود .

دلیلی که احناف در باب تیمم در نماز جنازه به علتی که ذکر شد می آورند این است :

حضرت عبدالله بن عباس روایت میکند که : { إذا فاجأک صلاة الجنائز فخشیت فوتها فصل علیها بالتیمم } اگر نماز جنازه حاضر بود و ترس داشتی که نماز را گرفته نمیتوانی تیمم کن و نماز را بخوان .

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده که جنازه ای حاضر شد و عبدالله وضوء نداشت ، تیمم کرد و نماز جنازه را خواند .

حکم دفن مسلمان در مقابر غیر مسلمانان در کشور های غیر

اسلامی

مجمع فقهی کنفرانس اسلامی جواب میدهد :
دفن مسلمان در مقابر غیر مسلمانان در کشور های غیر اسلامی جائز است و آن هم به حکم ضرورت .

سؤال: گذاشتن لوحه با آیات قرآنی بالای قبر جواز دارد ؟

جواب: از کتاب فتاوی شرعیة و بحوث اسلامیة گذاشتن لوحه ها بالای قبر سبب ضیاع سرمایه زیاد خصوصاً در کشور هایی غربی است و مصرف در راه صحیح و غیر شرعی میباشد که منفعت برای میت ندارد . بهتر است این سرمایه در راه منفعت عامه که مردم از آن منفعت بگیرند به مصرف برسد و در استفاده آن برای میت ثواب میرسد و در حدیث شریف آمده که:

« إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جاریه و علم ینتفع به و ولد صالح یدعو له » . اگر ابن آدم وفات کند

پروفسور دكتور عبدالستار سيرت

بسم الله الرحمن الرحيم

خاطرات ایمانی

5

بسم الله الرحمن الرحيم

الفاروق**عمر بن الخطاب — رضی الله عنه —**

(قسمت دوم)

موافقات عمر بن الخطاب — رضی الله عنه —**با وحی الهی :**

این عنوان نهایت برازنده و عجیب است. در مورد هیچک از بزرگان تاریخ اسلام و اصحاب کرام رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - چنین عنوانی وارد نشده است.

شرح موضوع موافقات عمر - رضی الله عنه - با وحی و آیات قرآن کریم نمایانگر مقام علمی بزرگ و قدرت اجتهاد بی نظیر و درجه بلند استنباط عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - مخصوصا در احکام فقهی اسلام است. موارد زیادی از آراء و افکار اجتهادی عمر فاروق - رضی الله عنه - بروایات موثق و احادیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و آثار صحابه کرام و مراجع فقهی ذکر شده است. که آن آراء و افکار اجتهادی بعد از ابراز آن از جانب عمر بن الخطاب توسط وحی الهی و آیات قرآن کریم تأکید و تثبیت گردیده است ، این امتیاز و خصوصیت علمی بزرگ بنام (موافقات عمر - رضی الله عنه -) یاد می شود.

الحافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی در کتاب معروف خود (تاریخ الخلفاء) بیست عنوان جداگانه را در موارد اجتهادی عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - یاد داشت نموده است که هر کدام با وحی الهی و احکام قرآن کریم توافق داشته و آنچه که عمر - رضی الله عنه - گفته است عین آن از طریق وحی بر رسول الله (ص) نازل گردیده است.

در جمله آثار علمی زیاد ، شعبه بحث علمی و احیاء آثار تاریخی اسلام در جامعه (ام القرى) در مکه مکرمه کتابی در سه جلد در بیش یکهزار و پنجمصد صفحه بنام (فقه عمر بن

الخطاب - رضی الله عنه -) تألیف دكتور روعی بن راجح طبع نموده اند و این کتاب احکام اجتهادی فقهی عمر فاروق - رضی الله عنه - را با مقایسه با آثار بزرگترین امامان مجتهدین صرف در فقه جنائی و احکام حدود و قصاص و عقوبات فقه اسلامی بیان میدارد .

شرح ابعاد مختلف شخصیت علمی و قدرت عجیب استنباط اجتهادی عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - از توان محدود ما بالاتر است و از آنرو با اظهار عجز به مقام عظمت این مثال زعامت ، تقوا و علم ، برخی از موارد موافقات عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - را در حدود خاطرات ایمانی بیان خواهیم داشت .

1 — مقام ابراهیم (علیه السلام) بحیث**جایگاه خاص نماز :**

در یکی از روزها در حالیکه عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - در مسجد الحرام و در کنار کعبه مشرفه شرف صحبت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - را داشت ، عمر - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با اشاره به مقامی مقابل کعبه مشرفه پرسید :

یا رسول الله: ألیس هذا مقام ابراهیم ، آیینا ؟

ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آیا این مقام ابراهیم پدر ما نیست ؟

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : نعم . بلی این مقام ابراهیم (علیه السلام) است .

عمر - رضی الله عنه - اگر این مقام را بحیث جایگاه نماز انتخاب بفرمائی ، (آیا مناسب نیست اگر این مقام جایگاه خاص نماز باشد ؟)

هنوز چند روزی سپری نشده بود که وحی الهی نازل شد و الله متعال امر فرمود :

(و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی - البقرة : 125 - و برگزینید از مقام ابراهیم جایگاه نماز) .

مقام ابراهیم جایگاه معروف و علامه دار به مقابل راست دروازه کعبه مشرفه است و در حالیکه در داخل مسجد الحرام و جایگاه هر نماز می باشد و اما بعد از هر طواف کعبه مشرفه ادای دو رکعت نماز در همین مقام در مذهب حنفی و مالکی واجب و در متباقی مذاهب سنت است .

الفاروق /

2- نزول آیه مبارکه حجاب :

در جمله اسیران این غزوه (عباس بن عبدالمطلب) کاکای رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - که تا آنوقت به اسلام مشرف نشده بود و اقارب زیادمسلمین شامل بودند.

حکم و روش معامله با اسیران جنگ از آنجا که اولین برخورد و از طریق تجاوز از جانب مشرکین واقع شد تا هنوز توسط وحی و دستور قرآنی تعیین نشده بود، در چنین موارد رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - همواره موضوع را به شورای صحابه کرام مطرح میفرمودند و نظر اصحاب شانرا جویا می شدند.

ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - چنین ابراز نظر کرد: ای رسول الله! این اسیران همه از جمله اقارب و خانواده ها و پسران کاکا و ماما و نزدیکان ما هستند، نظر من اینست که در مقابل فدیة (گرامت مالی) آزاد شوند و البته مقدار فدیة آنها وسیله تقویة ما شده و شاید الله متعال آنها را هدایت بفرماید و در آینده در صف مسلمین قرار بگیرند.

3- معامله با اسیران غزوه بدر :

عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - گفت: ای رسول الله! (اینها ترا از مکه اخراج کردند. اینها ترا تکذیب نمودند اگر ما در دسترسی آنها می بودیم با ما چه میکردند؟). نظر من این است که همه گردن زده شوند «اعدام گردند». رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قبل از اینکه به یکی از این دو نظر موافقه بفرماید و یا نظر دیگری از جانب خود شان ابراز نمایند، این هر دو یار جلیل و دو بازوی نیرومند خود را به نحو عجیبی تقدیر میفرماید و خطاب به هر کدام چنین فرمودند:

مثال تو ای ابوبکر، مانند ابراهیم (علیه السلام) است که در مورد قوم خود به الله - عزوجل - عرض کرد (فمن تبعنی فإنه منی و من عصانی فإنک غفور رحیم - سوره ابراهیم: 36 - پس هر کس که مرا پیروی نمود او واقعا از من است و کسی که نافرمانی مرا کرد پس تو که یقینا بخشاینده مهربان هستی).

و اما مثال تو ای عمر! مانند نوح (علیه السلام) است که در مورد کفار چنین دعا کرد:

باری عمر فاروق - رضی الله عنه - به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پیشنهاد نمود: یا رسول الله! در منزل شما که امهات المؤمنین تشریف دارند، گاهی هر شخص خوب و بد در آن رفت و آمد دارد، اگر امر بفرمائید که همسران شما حجاب نمایند.

با این نظر عمر فاروق - رضی الله عنه - این آیه کریمه نازل شد: (یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن... الأحزاب: 59).

(ای پیغمبر! به همسران خود و به دختران خود و زنان مؤمنان بگو (امر بفرما) که چادرهای شانرا به سرو تن کنند (و به وسیله آن سرو اندام شانرا بپوشانند). جلابیب در آیه کریمه جمع جلاباب و آن عبارت از جامه رو پوش و رو سری است که سرو اندام برجسته را می پوشاند و با پوشیدن آن حجاب اسلامی رعایت می گردد.

در نخستین برخورد نظامی میان لشکر کوچک مسلمین و لشکر مشرکین مکه که تعداد شان بیشتر از سه چند مجاهدین مسلمان بودند در سال دوم هجرت و فتح بزرگ به نصرت الهی نصیب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و یاران مؤمن شان گردید و غزوه بدر که در قرآن کریم بنام (یوم الفرقان) یعنی روز جدائی حق از باطل توصیف شده است به شکست فجیع و ذلت بار مشرکین انجام شد، هفتاد تن از مشرکین به شمول زعما و بزرگان آنها مانند ابو جهل، و عتبه بن ربیع و أمیه بن خلف کشته شدند و هفتاد تن دیگر بدست مسلمانان اسیر گردیدند، ترکیب این دو لشکر حق و باطل بسیار عجیب بود، پدر در یک جانب و پسر در جانب دیگر، دو برادر در دو لشکر، غلام مظلوم با بادر ظالم (بلال و أمیه بن خلف) بهم مواجه می شوند، عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - مامای خود (العاص بن هشام بن المغیره) را که در لشکر دشمن بود به قتل میرساند، ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - پسر خود (عبدالرحمن بن ابی بکر) را یا خبیث خطاب می کند.

الفاروق /

(رب لا تذر على الأرض من الكافرين ديارا - سورة نوح: 26 -
 پروردگارا ! هیچ احدی از کافران را بر روی زمین زنده
 مگذار).

با چنین تقدیر از شخصیت هر دو صحابی جلیل ، رسول
 رحمت و صاحب خلق عظیم - صلی الله علیه وسلم - اسیران
 مشرکین را به سه مجموعه تقسیم نمودند ، قسمت اول آن
 عده مردم سالخورده و ضعیف و یا فقیر که توان ادای فدیة را
 نداشتند ، این مجموعه را به صورت رایگان آزاد فرمودند ،
 کسانی که توان تادیه غرامت مالی را داشتند از آنها فدیة را
 قبول کردند ، مجموعه سوم کسانی بودند که مهارت تعلیم و
 قراءت و کتابت را داشتند ، آنها را مکلف شدند تا در بدل
 آزادی شان هرکدام ده طفل مسلمین را در مدینه آموزش
 خواندن و نوشتن بدهند .

عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - میگوید : روز ما بعد بحضور
 رسول الله - صلی الله علیه وسلم - رفتم و دیدم که آنحضرت -
 صلی الله علیه وسلم - با ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - هر دو
 در حالت گریه نشستند ، با شتاب پرسیدم یا رسول الله !
 چه چیز شما هر دو را به گریه واداشته است ؟ رسول الله - صلی
 الله علیه وسلم - این وحی جدید را که بعد از تصمیم روز
 گذشته در مورد اسیران نازل شده تلاوت کردند :

(ما کان لنبی أن یکون له أسرى حتی یثخن فی الأرض تریدون
 عرض الدنيا و الله یرید الآخرة و الله عزیز حکیم - لولا کتاب
 من الله سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم - الأنفال : 67 -
 68) .

ترجمه معنی هر دو آیه کریمه : هیچ پیامبری را نه شاید که
 اسیرانی داشته باشد (و آنان را در مقابل فدیة آزاد کند) تا
 آنگاه که جنگ را در روی زمین به پیروزی کامل برساند (و
 نیروی دشمن را بکلی از پا در آورد) شما متاع (ناچیز) دنیا
 را میخواهید و الله برای شما سرای جاویدان (آخرت را
 میخواهد و الله غالب مقتدر ، با حکمت است . اگر فرمان
 سابق الله مبنی بر بخشایش اهل (بدر) نمی بود حتما به خاطر
 چیزی که از (فدیة و غنیمت) گرفته اید عذاب بزرگی به شما
 میرسید .

در انجام تلاوت این آیات کریمه رسول الله - صلی الله علیه
 وسلم - خطاب به عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - فرمودند : ای

عمر ! اگر بخشایش و رحمت الله نمی بود ما همه هلاک
 شده بودیم به جز تو ای عمر !

4 - نظر عمر فاروق - رضی الله عنه - در پاکی و

براءت أم المؤمنین عائشة صدیقه - رضی الله عنها :

در ایامی که منافقین خبر (إفک) یعنی بهتان بزرگ و خبر
 باطل و دروغ را در رابطه به مقام پاک و منزّه أم المؤمنین
 عائشه صدیقه همسر محبوب رسول اکرم - صلی الله علیه
 وسلم - در مدینه منوره شائع نموده بودند رسول الله - صلی
 الله علیه وسلم - نظر عمر فاروق - رضی الله عنه - را
 پرسیدند : عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - خطاب بر رسول
 الله (صلی الله علیه وسلم - گفت : یا رسول الله ! شما به امر
 که با (عائشه رضی الله عنها) ازدواج نموده اید ؟ رسول
 الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند : به امر الله (عزوجل) .
 عمر فاروق گفت : آیا فکر می کنید پروردگار شما را
 فریب داده است ؟ (آیا ممکن است پروردگار شما به شما
 همسری انتخاب نماید که شایسته شما نباشد ؟) سپس
 عمر کذب و بهتان شائعه را به این عبارت مؤکد می سازد
 : (سبحانک هذا بهتان عظیم) این شهادت عمر - رضی
 الله عنه - عین الفاظی است که در سلسله آیات کریمه
 تزکیه و اثبات پاکی و نزاهت أم المؤمنین عائشه صدیقه «
 رضی الله عنها - در سوره (النور) در آیه (16) آن سوره
 نازل گردید و الله متعال فرمود (... سبحانک هذا بهتان
 عظیم) الهی تو پاک و منزّه هستی ، این (شائعه) بهتان
 بزرگ است .

موارد زیادی وجود دارد که نظر صائب و ناشی از قدرت
 بزرگ اجتهادی عمر فاروق - رضی الله عنه - با وحی الهی و
 آیات کریمه قرآن عظیم الشأن توافق داشته و این امتیاز
 خاص به عنوان (موافقات عمر - رضی الله عنه - یاد شده
 است به تقدیر از همین مقام والای عمر - رضی الله عنه -
 رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بروایت صحیح ترمذی از
 (عقبه بن عامر - رضی الله عنه - فرموده اند : (لو کان بعدی
 نبی لکان عمر بن الخطاب) اگر بعد از من پیغمبری می
 بود البته عمر بن الخطاب می بود (فقه عمر بن الخطاب
 به نقل از تحفة الأحوزی / 4) .

الفاروق /

ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - (خلیفه خلیفه رسول الله) بیعت نمودند .

عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - عهده خلافت را بدون رغبت و تمایل و به نحوی از اکراه قبول کرد ، و هر گاه بيم الله - عروج - و اینکه در روز قیامت بخاطر انکار وی از خلافت طرف سؤال قرار خواهد گرفت ، اگر این خوف وجود نمیداشت عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - خواهان خلافت و امارت نبود و آنرا یقیناً رد میکرد .

ترجمه مطالبی از نخستین خطبه جاودان و تاریخی عمر

بن الخطاب - رضی الله عنه - بعد از احراز مقام خلافت:
بعد از حمد و ستایش الله متعال و درود و سلام به رسول الله صلی الله علیه و سلم:

« من واقف شدم که برخی مردم از روش شدت من بيم داشتند و از تعامل غلظت و درشت من اظهار تشویش نمودند ، و گفتند : در حالیکه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حیات داشتند عمر تشدد میکرد و نیز در حالیکه ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - ولایت امر ما را داشت عمر بر ما شدت می نمود ، حالا که همه امور بخود وی تعلق گرفته است حالت چه خواهد بود ؟

واقعا کسانیکه چنین گفته اند راست گفته اند ، اما هنگامیکه من در خدمت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بودم موقع من همکار و خادم آنحضرت - صلی الله علیه و سلم - بودم و چون رسول الله - صلی الله علیه و سلم - مطابق فرموده الله سبحانه و تعالی (بالمؤمنین رؤوف رحیم) مثال رحمت و شفقت و مهربانی بودند و به همه لطف و عنایت داشتند بناء من همان شمشیر برهنه بودم که در دسترس ایشان - صلی الله علیه و سلم - قرار داشتم ، تصمیم اینکه شمشیر قطع کند یا در غلاف باشد کاملاً بر رسول الله - صلی الله علیه و سلم - تعلق داشت ، من همچنان بحیث شمشیر در دست آنحضرت ماندم تا آنکه برحمت حق و برفیق اعلی پیوستند در حالیکه از من راضی بودند (و الحمد لله علی ذلک کثیرا)

سپس ولایت امر مسلمین به ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - رسید و همه میدانند که ابوبکر تاچه حد شخصیت آرام و نرم و مهربان بود ، باز هم من همکار و خادم وی بودم و

خلافت عمر بن الخطاب - رضی الله عنه -

در روز سقیفه بنی ساعده (روز بیعت خصوصی به ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - قبل از اینکه نام کدام شخصی از مهاجرین به مقام خلافت گرفته شود ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - دست راست خود را به سوی عمر بن الخطاب دراز نمود و گفت : ای عمر ! دستت را بده که به تو (بحیث خلیفه رسول الله - صلی الله علیه و سلم -) بیعت نمائیم . عمر - رضی الله عنه - گفت : نه خیر ، فقط و خاص بتو بیعت می کنیم بخاطری که تو نسبت به من بهتر و صاحب فضل هستی .

ابوبکر - رضی الله عنه - گفت : تو ای عمر نسبت به من قوی تر هستی .

عمر - رضی الله عنه - گفت : قوت من در خدمت فضل تو خواهد بود .

در دوره مختصر خلافت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - عمر بن الخطاب رضی الله عنه واقعا بازوی نیرومند ابوبکر صدیق بود ، هنگامیکه ابوبکر صدیق رضی الله عنه در ایام اخیر خلافت خود مریض بود و در اثر آن مریضی وفات نمود ، قبل از وفات کبار صحابه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را دعوت نمود و با آنها در امر خلافت و نیز در مورد نامزدی عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - مشوره کرد و نظر آنها را خواستار شد ، همه موافقت نمودند و بیگانه نگرانی اندک از روش شدت عمر فاروق بود که این نگرانی از طرف ابوبکر صدیق رفع گردید و گفت : هنگامیکه عمر شخصا این مسئولیت را به عهده می گیرد شدت او تغییر می کند (چنانکه من قبل از خود عمر را به حیث خلیفه اول پیشنهاد نموده بودم اکنون هم بهتر از عمر شخص دیگری را به این امر مناسب نمی بینم) نظر ابوبکر تایید شد و بزرگان اصحاب رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به نامزدی عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - به مقام خلافت موافقت نمودند و بلااثر ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - ولایت عهد خلافت را بنام (عمر بن الخطاب - رضی الله عنه) ثبت نمود و به مجرد وفات ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - مسلمین نامزدی عمر بن الخطاب را به مقام خلافت از جانب ابوبکر صدیق و هیئات مشورتی شان پذیرفتند و به عمر فاروق - رضی الله عنه - بحیث خلیفه

الفاروق /

بیانیه نهفته بود اما چند نقطه بسیار قابل توجه و اهمیت است:

1- خطاب عمر فاروق-رضی الله عنه- هر بار به عنوان (ای مردم!) بود و هیچگاه (ای مسلمین!) نگفت و این میرساند که اتباع یک دولت اسلامی بهر دین و آیین که باشند حقوق مساوی دارند و ملت واحد را تشکیل می نمایند.

2- تأمین عدالت در رأس وظائف دولت قرار دارد و کلمات عمر رضی الله عنه که سر ظالم را زیر پا می کند و برای مظلوم سر خود را به زمین میگذارد تا حق او را گرفته باشد احساس و کلمات بی نظیر بود.

3- اقتصاد و خزانه دولت مصدر پاک و توزیع پاک و مطابق حق و عدالت داشته باشد.

4- تمامیت ارضی و حفاظت سرحدات دولت مسئولیت رئیس دولت است.

5- عبارت جاودان و بی نظیر عمر-رضی الله عنه- اگر شما دور شدید و در سفر بودید من پدر اولاد شما هستم.

این عبارت و این تعهد از یک زعیم عادی دور از تصور است، اصل گفتار عمر-رضی الله عنه- که ثبت تاریخ است: (وإذا غبتم في البعوث فأنا أبو العيال حتى ترجعوا إليهم) رضی الله عن عمر بن الخطاب و أرضاه. ادامه دارد /

شرح مختصر أسماء الحسنی

پروفسور داکتر عبدالستار سیرت

طبع و نشر کتاب جدید را به استاد گرامی القدر تبریک می گویم و از خداوند برای جناب شان صحت و عافیت می خواهیم. مطالعه این اثر علمی به روش جدید را به همه هموطنان عزیز توصیه می نمایم /

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani

201 Washington Blvd # 104

Fremont, ca 94539

U.S.A

Tel (510) 979 – 9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

شدت خود را با نرمی وی یکجا ساختم و همان شمشیر برهنه بودم که استعمال آن فقط در صلاحیت و اختیار ابوبکر بود من همچنان بحیث شمشیر در دست ابوبکر باقی ماندم تا آنکه برحمت حق پیوست، در حالیکه از من راضی بود (الحمد لله علی ذالک کثیرا).

اکنون که من ولایت امور شما را به عهده دارم.

ای مردم! شما بدانید و یقین داشته باشید که آن شدت من ضعیف شده است، اما صرف در حق ظالم و متجاوز آن شدت به شدت ادامه میابد، مگر در مورد اهل دین و سلامت و افراد صالح، من از خود آنها بیشتر نرم و آرام خواهم بود (روش من با این گروه از آنچه که آنها در میان یکدیگر از نرمی و لطف و تعامل نیکو دارند از آنها بالاتر و نرم تر خواهد بود).

من قطعاً نخواهم گذاشت که احدی بر احدی ظلم و یا تجاوز نماید، در آنصورت رخسار (سرو و روی) ظالم را بر زمین میگذارم (ذلیل می سازم) تا آنکه بحق اعتراف کند و تن در دهد، اما به اهل (عفاف و کفاف) و مردمان صالح و قانع من (رخسار و سرو و روی) خود را بر زمین میگذارم و خود را ذلیل خواهم ساخت تا آنها عزیز شوند.

ای مردم! شما بر من حقوقی دارید که من به آن اعتراف می نمایم و شما در مورد آن می توانید مرا مؤاخذه نمائید، من مسئولیت دارم، آنچه که از حاصلات زمین و اموال مردم در دست من برسد و هر آنچه الله متعال بما ارزانی بفرماید من آنرا فقط برضای الله و بر اساس حقوق هر یک شما توزیع و مصرف نمایم، (تصرف در بیت المال دولت صرف به اساس حکم الله متعال و حقوق مردم صورت می گیرد)

از حقوق شما بر من اینست، اگر الله خواسته باشد عطایا و حقوق شما را افزایش بدهم، و (من مسئول هستم) تا حدود شما (سرحدات دولت شما) را کاملاً حفظ نمایم.

هر گاه شما در امری از امور دولت در سفر و دور از فامیل بودید من پدر اولاد شما و سرپرست خانه و خانواده شما هستم تا و قتیکه شما دوباره برگردید.

(ختم ترجمه قسمتی از نخستین بیانیه عمر بن الخطاب-رضی الله عنه- بحیث خلیفه و رئیس دولت اسلامی) مطالب زیادی به ارتباط زعامت اسلامی و شخصیت عمر بن الخطاب در